

# خاوران ها را نه فراموش می کنیم! نه می بخشیم!

تراب حق شناس

این درختان اند همچون خاکیان  
دستها برکرده اند از خاکدان  
... با زبان سبز و با دست دراز  
از ضمیر خاک میگویند راز  
(مثنوی)

همزمان با برپایی مراسم متعدد یادمان در ایران و شهرهای مختلف خارج از کشور، ما نیز از سرِ تعهد و وفاداری به آرمانمان - آرمان شهیدان - به سبک خود فریاد بر می داریم:  
- تا بگوییم و نشان دهیم که به خصوص کشتارهای سال های ۱۳۶۰ و ۶۷ را فراموش نکرده و نمی کنیم،

- تا بگوییم هزاران تن از کادرهای سیاسی انقلابی، استعدادهای جوان، آرمانهای پرخروش آزادی و برابری را که به جوخه های اعدام سپرده شدند فراموش نکرده و نمی کنیم،  
- تا جانباختگان بدانند که در برابر مردم ایران و کل بشریت باید حساب پس بدهند که چطور برای تثبیت قدرت سیاسی شان سرکوب را به چنین حدی از توحش رساندند و مردم و تاریخ ایران را از اینهمه نیروی انسانی بسیار ارزنده و پیشرو محروم کردند،

- تا جهانیان بدانند که ما تبعیدیان، ما جان بدر بردگان از آن قتل عام ها همچنان آن فریادهای در گلو فشرده و به خون گرفته را بازتاب می دهیم تا نشان دهیم که اگر «جسدها بر خاک افتاده اما ایده ها برپا ست» و ما همچنان بر آرمان های آزادی - برابری و مبارزه با هرگونه ستم طبقاتی، ملی، نژادی، جنسی و مذهبی پای می فشاریم،

- تا اعلام کنیم که هزاران نفر را که به امر جلااد بزرگ، خمینی، به خون کشیده و ظاهراً در گورستانی گمنام به خاک سپرده شدند قربانی از نوع قربانیان زلزله و طغیان دریا و غیره نمی دانیم. زیرا آنها به خاطر آرمانهایی مبارزه می کردند که درست متضاد با رژیم حاکم بر ایران بود و در منطق ستمکاران و زورمداران این بزرگ ترین تقصیر است. عزیزان ما به اصطلاح «بی تقصیر و بی گناه» نبودند، مبارز و پیگیر بودند. تنها «اعتقاد» نداشتند، بلکه با این رژیم و طبقه و ایدئولوژی اش می رمزیدند، - تا رژیم جمهوری اسلامی ایران که حیاتش را مدیون حمای از خون به پهنای ایران است بداند که همه ی کوشش هایش برای اینکه ما رفقای عزیزمان، گل های سرسبد جامعه مان را فراموش کنیم بیهوده است و مردم ما هر جا باشند چه در ایران و چه در تبعید، پیوندهای وفاداری برای مبارزه با ارتجاع حاکم را پاس می دارند،

- تا افکار عمومی در ایران و جهان بدانند که جنایات رژیم جمهوری اسلامی منحصر به سال ۱۳۶۷ و کشتار زندانیان سیاسی نیست، بلکه در سال ۶۰ و قبل و بعد از آن، موج وسیع این وحشی گری ها ادامه داشته و ما فجایع سالهای ۶۰ و تمام دوره ی حاکمیت این رژیم را فراموش نمی کنیم، این جنایات را با اسناد، با خاطرات و تدوین تأمل های فراوان باید زنده نگه داشت و به تاریخ سپرد تا زمانی که دادگاهی خلقی و انقلابی، صالح تر از آنچه در نورنبرگ علیه فاشیست ها برپا شد، علیه رژیم ایران برپا شود،

- تا خودمان و هم همه ی جهانیان بدانند هیچ کس نباید به خود حق بدهد که برای کسب قدرت و حفظ آن می تواند مخالفین را چنین بی مجازات درو کند و خرمن آرزوهای ملتی را که می توانست به ثمری

گرانها منتهی شود به آتش بکشد.

گردهم آبی های هرساله نه برای زاری کردن بر آن فاجعه ی بزرگ و نشان دادن مظلومیت نسلی که در معرض این ستم قرار گرفت، بلکه پاسخی قاطع به جانمایی ست که پوست و رنگ عوض کرده اند و می گویند «از دهه ی ۱۳۶۰ صحبت نکنید چون اپوزیسیون هم دموکرات نبود». آنها برای توجیه همکاری و مشارکتشان، یا سکوت رضایت آمیزشان در سرکوب های دهه ی ۶۰ چنین می گویند تا اکنون خود را اصلاح طلب و تغییر کرده، لیبرال و مقبول طبع آمریکا جا بزنند.

ما با بزرگداشت خاطره ی عزیزانی که به جمهوری اسلامی «نه» گفتند می توانیم خود را برای مبارزه ای همه جانبه تر و جدی تر آماده کنیم تا آیه های یأس و ابتذال و سازشکاری را که در سال های اخیر وقیحانه باب روز شده است از فضای سیاسی جامعه مان بزداییم.

برگزاری این مراسم نه برای رفع تکلیف است، نه اقدامی دلسوزانه در چهارچوب «حقوق بشر»، بلکه اقدامی سیاسی ست علیه کلیه ی مناسباتی که رژیم ایران را برپا نگه داشته است.

ما در عین حال که فقدان اینهمه سرمایه های انسانی را جبران ناپذیر می دانیم، می کوشیم از آرمانخواهی و جسارت آنان که در بیدادگاه های رژیم سر تسلیم فرود نیاوردند درس بگیریم و با آنان برای فعالیت و مبارزه در اشکال مناسب هر زمان و مکان تجدید عهد کنیم.

با زندانیانی که خود شاهد این جنایات فجیع بودند و خوشبختانه جان سالم به در بردند ابراز همدردی می کنیم و کوشش برخی از آنان را که با نوشتن خاطرات و شهادت هاشان کاری تاریخی کرده اند ارج فراوان می نهیم.

همینجا شایسته است با تأکید فراوان از جسارت و شهامت و هنر والای کسانی یاد کنیم که در زندان با نقاشی، مجسمه سازی، گلدوزی و حک خاطرات و دردهای زندان، با ساختن شعر و آهنگ و نیز با تفکر درباره ی گذشته و حال و آینده ی جنبش مبارزاتی ایران مقاومت کردند و آثار خود را با چه لطایف الحیل و خطراتی از زندان بیرون دادند و پس از خروج از زندان به تکمیل کارهایشان و عرضه کردن آنها پرداختند. امروز خوشبختانه عزیزانی هنرمند هستند که در اشکال گوناگون هنری از شعر و ترانه و نقاشی و مجسمه سازی گرفته تا فیلم و تئاتر و گلدوزی و کنده کاری و... مقاومت در زندان و کلا مقاومت در برابر رژیم را زنده نگه می دارند و نوید آینده ای شاد و دموکراتیک و مردمی را با هنر خود صلا می دهند.

با خانواده هایی که دردهای بی شمار و سنگین زندانی شدن، بی خبری از عزیزان، اخبار وحشتناک شکنجه و مرگ فرزندان و بستگان را تحمل کردند ابراز همدردی می کنیم و به آنان درود می فرستیم.

سالها ست که خانواده ها، همزمان و دوستان هر هفته یا در مناسبت های گوناگون به گفته ی خودشان «سر خاک» می روند و خاوران های بی شمار ایران را رها نمی کنند. ما دست در دست آنان، رژیم جنایتکاران و سرکوب و خرافاتشان را محکوم می کنیم.

ما در برابر آرمان های والای مبارزه و مقاومت، و آنها که جانشان فدای رهایی انسانیت شد سر تعظیم فرود می آوریم و برخلاف توجیه برخی به اصطلاح روشنفکران بیدرد، نه عزیزانمان را از یاد می بریم و نه جانیمان را می بخشیم و می دانیم که تنها با ادامه ی مبارزه در راه «دموکراسی برای انقلاب و انقلاب برای دموکراسی»، آزادی و عدالت اجتماعی ست که آنان زنده می مانند. آنها چون منظومه ای از ستاره های تابناک در کهکشان شهیدان مقاومت ضد فاشیستی و ضد ارتجاعی سراسر جهان اند که پیروزی شان را انتظار می کشند.

در این راه وظایفی سنگین بر دوش داریم که باید با کمال افتخار در انجامش بکوشیم.